

# آدم و حواء و شجره و مار و حیات جاودان و معنی تاثیر خون مسیح در حیات جهان

حضرت عبدالبهاء

اصلي فارسی



لوح رقم (62) امر و خلق - جلد 2

## ٦٢ - آدم و حواء و شجره و مار و حیات جاودان و معنی تأثیر خون مسیح در حیات جهان

و نیز از حضرت عبدالبهاء است قوله الجلیل و اما قضیه آدم علیه السلام لیس المراد ظواهرها بل ضمائرهما و لیس المقصد من ظواهرها الا سرائرها فالشجرة هی شجرة الحیات الثابتة الاصل الممتدة الفرع الی کید السماء الثمرة باکل دائم و المقطرة لكل مرتاض صائم فنع آدم علیه السلام لیس منع تشریحی تحریمی انما هو منع وجودی کمنع الجنین عن شئون البالغ الرشید فالشجرة مقام اختص بها سید الوجود الحائر علی المقام المحمود حبیب رب الودود محمد المصطفى علی التحية والثنا و المقصود من حواء نفس آدم فآدم احب و تمنى ظهور الکمالات الالهیه و الشئون الرحمانية التي ظهورها منوطه بظهور سید الوجود نخبو طب بخطاب وجودی ان هذا الامر ممتنع الحصول مستحيل الوقوع کامتناع ظهور التعقل والرشد للجنة فی بطون الارحام والنطفة فی الاصلاب فیما کان یتمنى ظهور هذه الکمالات الرحمانية و الشئون الربانية فی دور الجنین و ذلك ممتنع مستحيل فالدور رقع فی امر عسیرو ما كانت النتيجة الا شیئ یشیرو هذا عبارة عنی الخروج من الجنة و اما صدور هذا المنی عن الایة الکبری فلیس بامر مستغرب عند اولی النبی و سلیمان علیه السلام هب لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی و قوله العزیز شجره حضرت آدم مقام بلوغ عالم است حضرت آدم خواستند که بلوغ عالم در آن عهد جلوه نماید سبب تأخر شد چنانکه پدر مهربان خواهد که طفل شیر خوار از الطف غذا های گوارا تناول نماید لکن معده شیر خوار هضم



ORIGINAL

نتواند و نتیجه بر عکس بخشد و از غذاهای اصلی نیز باز ماند اغیار مانند ثمر و بار خام از درخت و دار ساقط شود و نتیجه نهد و وجودش نبود گردد و در هلاک و خذلان ابدی افتد اما ابرار مانند میوه رسیده خوشگوار جلوه گاه کلمات شجره فضائل گردند و بدرجه بلوغ رسند و جمیع شئون شجر را منطوقی در حقیقت خویش مشاهده نمایند بیگانگان محروم اند و آشنایان محرم خلوتگاه حی قیوم آنان ساقط اند و یاران لاقط آنان بی ثمرند و اینان مانند شجر

و در مفاوضات است قوله العزیز مقصد از آدم روح آدم است و از حوا نفس آدم... و مقصد از شجره خیر و شر عالم ناسوتی است زیرا جهان روحانی الهی خیر محض است و نورانیت صرفه اما در عالم ناسوتی نور و ظلمت و خیر و شر حقائق متضاده موجود و مقصد از مار تعلق بعالم ناسوتی است آن تعلق روح بعالم ناسوتی سبب شد که نفس و روح آدم را از عالم اطلاق بعالم تقييد دلالت کرد و از ملکوت توحيد بعالم ناسوت متوجه نمود و چون روح و نفس آدم بعالم ناسوت قدم نهاد از جنت اطلاق خارج گشت در عالم تقييد افتاد بعد از آنکه در علو تقدیس بود و خیر محض بعالم خیر و شر قدم نهاد و مقصود از شجره حیات اعلی رتبه عالم وجود مقام کلمه الله است و ظهور کلی لهذا آتمقام محفوظ مانده تا در ظهور مظهر کلی آتمقام ظاهر و لائح گشت... روح و نفس آدمی چون تعلق بناسوت یافتند از عالم اطلاق بعالم تقييد آمدند تناسل بوجه مثلی تسلسل یافت و این تعلق روح و نفس بعالم ناسوتی که نگاه است در سلاله آدم موروث گردید و آن تعلق ماری که الی الابد در میان ارواح سلاله و آن ضدیت مستمر و برقرار است زیرا تعلق ناسوتی سبب تقييد ارواح گردیده و این تقييد عین نگاه است که از آدم سریان در سلاله نمود چه که این تعلق سبب گردیده که نفوس بسبب آن از آنروحانیت اصلیه و مقامات عالیه باز ماندند و چون نفحات قدس حضرت مسیح و انوار تقدیس نیر اعظم منتشر گردید حقایق بشریه یعنی نفوسی که توجه بکلمه الله نمودند و استفاضه از فیوضات کردند از آن تعلق و نگاه نجات یافتند و بحیات ابدیه فائز گشتند و از قیود تقييد خلاص شده بعالم اطلاق پی بردند و از رذائل عالم ناسوتی بری گردیدند و از فضائل عالم ملکوت مستفیض شدند این است معنی بیانی که میفرماید من خون خویش را بجهت حیات عالم انفاق کردم .

و در خطابی دیگر قوله المبین و اما معنی دیگر شجره ملعونه در قرآن است که در هر دور مظهري دارد و در دور بیان اول من استکبر دو دور جمال مبارک اول من اعرض و درین دور اول من تقض الميثاق اما آدم و حوا زوج و زوجه و سر سلسله نوع انسان بودند